


وب سایت استاد موسوی

	تاریخ روز: ۱۳۹۶/۱۱/۲۴	تاریخ ثبت: ۱۷ دی ۱۳۹۶	عنوان: وجود رابطی
---	-----------------------	-----------------------	-------------------

«بسمه تعالی»

وجود رابطی

آیا اصل ارتباط ها در عالم ماده است یا در جهان تجرد؟
به عبارت دیگر، آیا هنگامی که دو ماهیت با یکدیگر پیوست شدند نام این پیوستگی را می‌توان ربط نهاد یا ارتباط هنگامی مصداق دارد که انسان با جهان عینی حضرت حق اتصال برقرار کند؟
در این نوشتار می‌خواهیم درباره «وجود رابطی» با شما خواننده سخن بگوییم؛ مطالبی که شاید کمتر در نوشته های دیگران خوانده باشید.
یکی از مباحث مهم آفرینش دریافت «وجود رابطی» است که اگر کسی بتواند آن را درک کند، می‌تواند صاحب وجود را هم دریابد؛ حقیقتی که همه محققان عالم پیرامون آن حیران هستند زیرا انسان تا اهلیت برای مسیر علم و کمال نداشته باشد، نمی‌تواند پرده جهان رابط را عقب بزند و بر پشت پرده آن بنگرد.
و اما در پاسخ به پرسشی که در ابتدا بیان کردیم باید گفت محققان معتقدند بیشترین ارتباط ها از نظر حس در عالم ماده است و از نظر عین و واقعیت، فوق ماده. چنانکه در مبحث وجود رابطی ذیل جلد اول اسفار، صفحه ۳۲۰، عبارتی است که حضرت ملاصدرا می‌فرماید: «و الثوب ان اعتبر صورة فی القطن کان موجودا»؛ یعنی اگر پنبه نبود، نخ و جامه هم نمی‌بود. درواقع، این دو به یکدیگر مرتبط هستند و دارای وجود رابطی. اگر بخواهیم معنی وجود رابطی را درک کنیم نخست باید به ارتباط ثوب (جامه) و قطن (پنبه) بپردازیم.
در تعریف «وجود رابطی» گویند: «ثبوت شيء لشيء»؛ یعنی چیزی که از او چیز دیگر پیدا می‌شود. اولی «موجود» است و دومی «ایجاد». پس وجود رابطی وجودی است که خود مستقل نیست و بر اثر میل و خواسته به وجود می‌آید.
از وجهی دیگر استاد دکتر سید علی موسوی پس از بیان این مثال‌ها در تفهیم وجود رابطی می‌فرمایند: «حق این است که ما در مثال نخ و جامه به «انقلاب» معتقد باشیم نه رابطه؛ یعنی پنبه منقلب شد و به صورت نخ در آمد و نخ منقلب شد به صورت جامه درآمد و این امر در جهان ماده صورت می‌گیرد و از این گذر است که استاتیک‌ها (سکون) به دینامیک‌ها (حرکت) درآمدند؛ اما ای دنیا، بدان و بخوان که اصل ارتباط‌ها در بریدن و شکستن سر غرور، تکبر، منیت و سایر صفات منفی و سر تسلیم فرود آوردن و اتصال به منبع عینی و حقیقی فیض و نور است. درحقیقت، وجود ما نسبت به وجود حضرت اله در وجود رابطی است. بلاتشبیهِ وجود خالق مانند دریای لایتناهی است که وجود های دیگر اعم از درختان، کوه‌ها، گیاهان، حیوانات و انسان مانند کف و موج دریاست که از او پدید می‌آیند و وجود رابطی نامیده می‌شوند.
حال برای درک بهتر وجود رابطی می‌توانیم به هستی جسم انسان مثال بزنیم که تمامی حالات و افعال ما اعم از حرف زدن، رنگ چهره، اندام، راه رفتن، خوابیدن، غذا خوردن و... جزء وجود رابطی هستند که از ذات ما بروز می‌کنند. مثال دیگر؛ اگر کاتب یا نویسندگانی نباشد، کتابی هم ایجاد نمی‌شود. پس اولی نویسنده است باید موجود باشد تا از او دومی (کتاب) ایجاد شود.
پس ای مخاطب! مقیم باش اما مقیم کوی یار نه مقیم جسمی، مقیم اتصالی زیرا ارتباط‌ها در عالم باید به اصالت‌ها برگردند. ای رونده کوی یار راز معمای این سخن، آبی است از دریای بی پایان عشق.
در اینجا عبارتی است که می‌فرماید: «لولا اتصال النار ما كان يعرف طيب العود» عود عطر خوشی دارد ولی اگر آن را آتش نزنند، بوی خوشی به مشام نمی‌رسد. آری، همیشه گنج‌ها در ویرانه‌ها و عین‌ها زیر لایعین‌ها و اصل‌ها زیر انباشته‌های بی‌اصالت و گوهرها زیر پوشاله‌ها هستند. آنکه باید دنیا را با نعره‌های روح افزایش به لرزه آورد، آنکه باید خفتگان حق را بیدار سازد و ارتباط

حقیقی بین جان ها و دل ها برقرار سازد، یک عین و یک اصل است!

به یقین می توان اینگونه گفت: انسان آنگاه که عاشق واقعی شود؛ یعنی محبت حضرت اله را چشیده باشد و در دریای بی کران عشقش غرق شده باشد، می تواند با ارتباط و اتصال حقیقی و روحانی با او عجین شود نه آن کسی که در جسم و ماده غرق است ولی توقع دارد که ارتباطی حقیقی با حق برقرار کند که این امکانپذیر نخواهد بود. پس باید انسان مقیم واقعی کوی یار باشد تا به آن گنجینه اصلی و اساسی ارتباط با او دست یابد و از اشراق عینی و حقیقی او بهره ور گردد. بدائیم آنکه به این مرحله راه یابد ندای «انا الحق» بردارد و بگوید من از حق هستم و حق همراه من است و به شکرانه آن هر لحظه اش خدایی می شود و در برابر هر چه نعمت دارد زیان به سپاس می گشاید و خداوند را حتی به خاطر تک تک استخوان های بدنش، به هم خوردن پلک چشمش، روان شدن خون در بدنش، نفس کشیدنش و... سپاس می گوید مانند عشقی که سرور شهیدان حسین بن علی (ع) به حضرت حق دارد و این عشق را در دعای عرفه به خوبی نمایان ساخته است. چنین انسانی که به مقام و ربط وجودی با حق رسیده است حتی می تواند رمز و راز و اتصال و ارتباطی حقیقی با امامان معصوم بالاخص امام زمان (عج) داشته باشد و اینگونه گوید: مولا! آن لحظه که جانم را از عشقت لبریز ساختی و به آتش کشاندی، بالاترین و بهترین لحظه های زندگی ام هست تا آنکه به دیدارت و اصل شوم و به این انتظار، پایان دهی که تویی اصل اصل ها یا صاحب الزمان یا مهدی ادرکنی.

پس ربط واقعی زمانی است که انسان با جهان عینی حضرت حق اتصال برقرار کند.

منبع: از سلسله مباحث تحقیقی فیلسوف متأله استاد سید علی موسوی ذیل تدریس جلد اول اسفار